

اجرای برنامه‌های عمرانی و صنعتی، توفیق در تدوین و تألیف کتاب و مقاله، از زمره افتخارات و امتیازات ذکر شده از طرف پاسخگویان می‌باشد (هریک، ۲ تن)، یک تن از نمایندگان دوره مورد بحث مفتخر به دریافت جایزه سلطنتی کتاب گردیده است. گفتنی است، یک تن از نمایندگان، همسفر بودن با دکتر منوچهر اقبال را به نواحی مختلف کشور از جمله برجسته‌ترین افتخارات و امتیازات دوران زندگی خود بحساب آورده است.

حال اگر به آمار دو دوره اخیر توجه کنیم، شمار نمایندگان پاسخ داده بسؤال مورد نظر ما افزایش یافته است و تقریباً ۶۰ درصد نمایندگان دوره بیست و دوم، و ۸۳ درصد نمایندگان دوره بیست و سوم از افتخارات و امتیازات خود به تفصیل سخن گفته‌اند که پس از جمع‌بندی در گروه‌های خاص، بموجب داده‌های آماری اینگونه اظهار نظر می‌توان کرد.

آمار دوره بیست و دوم قانونگذاری، بیشترین نسبت را از آن دریافت کنندگان نشان و مدال (با ۴۱/۲۵ درصد) نشان می‌دهد. و به موجب پاسخهای دریافتی، اکثریت این گروه از نمایندگان مفتخر به دریافت نشان و مدال از دست پادشاه شده‌اند (با ۲۰ درصد).

اخذ کنندگان مدال و نشان با عناوین مختلف، نشان ۲۸ مرداد، نشان اصلاحات ارضی، نشان علمی، بر رویهم نیمی دیگر از مفتخرین را در برمیگیرد. ناگفته نماند ۱۵ درصد این گروه بدون ذکر منبع اخذ و عنوان مدال آمده است.

پاسخ ۴ تن از نمایندگان نیز در باب سؤال مورد نظر، ذکر کرده‌اند، افتخار و امتیازی در دوران زندگی اجتماع خود کسب نکرده‌اند.

در دوره بیست و سوم قانونگذاری، اگر از ۱۷ درصد کل نمایندگان که از هر نوع اظهار نظر در مورد سوال مطرح شده خودداری کرده‌اند چشم‌پوشیم، برای بیش از نیمی از نمایندگان دریافت مدال و نشان است که بنا بگفته خودشان، موجبات سرافرازی و افتخار و امتیاز را در زندگی اجتماعی آنها فراهم ساخته است.

باید افزود، پاسخ حدود ۲۹ درصد این گروه بدون ذکر نوع مدال و منبع اخذ آن می‌باشد. و بیش از ۱۵ درصد نشان و تقدیرنامه از وزارت متبوعه داشته‌اند. و حدود ۴ درصد نیز به اخذ نشان و مدال از طرف پادشاه مفتخر شده‌اند، و بیش از ۳ درصد

مفتخرین بدریافت مدال، بپاس خدمات ارزنده در کودتای ۲۸ مرداد از این امتیاز برخوردار شده‌اند. و معادل همین گروه باید از دارندگان نشان علمی یاد کنیم.

به موجب داده‌ها جدول شماره ۲ حدود ۱۰ درصد کل نمایندگان، انتخاب شدن به نمایندگی مجلس شورای ملی را، بالاترین افتخار و امتیاز بدست آورده دوران زندگی خود ذکر کرده‌اند. ۳ تن از نمایندگان این دوره نیز، شرفیابی بحضور پادشاه را از افتخارات خود محسوب داشته‌اند، و یک تن نیز آجودانی پادشاه را بعنوان بالاترین افتخار و امتیاز خود یاد آور شده است.

سرانجام از تعداد نمایندگان که بنا بگفته خود، امتیاز و افتخار کسب نکرده‌اند با ۵ تن و نیز از شمار آن گروه از نمایندگان که تألیف و تهیه گزارش و مقاله را از زمره امتیازات خود به حساب آورده‌اند با ۲ تن یاد می‌کنیم.

جدول شماره ۱ - وضع مشاغل اصلی پدران نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
شغل اصلی پدران		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان		۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
مالک و کشاورز	۴۷	۳۰/۷	۴۰	۲۵/۰	۳۸	۲۴/۴	
مالک و کارمند دولت	۱۵	۹/۸	۱۲	۷/۵	۵	۳/۲	
مالک و تاجر	۵	۳/۳	۱۴	۸/۸	۵	۳/۲	
مالک و روحانی	۷	۴/۶	۱	۰/۶	۳	۱/۹	
مالک و مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۶	۳	۱/۹	-	-	
کارمند دولت	۲۸	۱۸/۳	۳۸	۲۳/۸	۵۷	۳۶/۵	
کارمند دولت و تاجر	۱	۰/۶	۲	۱/۲	-	-	
" و مشاغل تخصصی عالی	۱	۰/۶	۱	۰/۶	-	-	
کارمند مؤسسات غیردولتی و تاجر	۱	۰/۶	-	-	-	-	
کارمند بخش خصوصی و غیردولتی	۱	۰/۶	۱	۰/۶	۲	۱/۳	
روحانی	۲	۱/۳	۸	۵/۰	۱۰	۶/۴	
مشاغل تخصصی عالی	۵	۳/۳	۷	۴/۴	۶	۳/۸	
بازرگان	۱۸	۱۱/۸	۱۶	۱۰	۱۹	۱۲/۲	
اصناف	۴	۲/۶	۵	۳/۱	۱	۰/۶	
مشاغل آزاد	۳	۲/۱	۲	۱/۲	۲	۱/۳	
کارگر	۱	۰/۶	۴	۲/۵	۲	۱/۳	
کارمند دربار	-	-	۳	۱/۹	۲	۱/۳	
کارمند دربار و مالک	۲	۱/۳	-	-	-	-	
زارع	۳	۲/۱	-	-	-	-	
کارمند مؤسسات ملی و مالک	۱	۰/۶	-	-	-	-	
اظهار نشده	۷	۴/۶	۳	۱/۹	۴	۲/۶	
جمع نمایندگان پاسخ داده	۱۵۳	۱۰۰	۱۶۰	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰	

منشأ خانوادگی نمایندگان

برای دستیابی به منشأ خانوادگی نمایندگان ادوار قانونگذاری بعد از اجرای قانون مصوب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی، متغیرها، شغل اصلی پدر، منابع درآمد پدر، حرفه و مشاغل عمده اعضاء و افراد نزدیک خانواده نمایندگان، عضویت بستگان نمایندگان در هیأت حاکمه کشور، و نوع و درجه تحصیلات پدر، مورد سنجش قرار گرفت.

از لحاظ شغل پدر، داده‌های آماری ما نشان می‌دهد که مشاغل پدران گروه مورد پژوهش ما متعدد و نمایندگان به گروه‌های شغلی متعدد و مختلف وابسته بوده‌اند.

جدول شماره ۱- روشنگر این نکته است که، اکثریت نمایندگان فرزندان عمده مالکان بوده‌اند. بطوری که نیمی از نمایندگان دوره بیست و یکم، و ۴۴ درصد نمایندگان دوره بیست و دوم قانونگذاری، و حدود $\frac{1}{3}$ نمایندگان دوره بیست و سوم، در درجه نخست از خانواده مالکان اراضی مزروعی برخاسته‌اند.

هرچند درصد اندکی به مشاغل اضافی همچون: کارمندی دولت، مشاغل تخصصی عالی، تجارت و کسب اشتغال داشته‌اند. ولی درصد عمده‌ای از نمایندگان شغل اصلی پدر را تنها مالکیت ذکر کرده‌اند (با نسبت حدود ۳۱ درصد از ۵۰ درصد پدران مالک دوره بیست و یکم، و ۲۵ درصد از ۴۴ درصد گروه مالکان دوره بیست و دوم، و بیش از ۲۴ درصد از حدود ۳۳ درصد پدران مالک دوره بیست و سوم قانونگذاری).

پیداست که اجرای قانون اصلاحات ارضی اگر درصد نمایندگان مالک و زمین‌داران بزرگ را نسبت به دو عصر دوم و سوم مشروطیت، کاهش داده و از ۵۷ درصد نمایندگان مالک دو عصر سلطنت پهلوی، به بیش از ۳۵ درصد به دوره بیست و

یکم و حدود ۴۷ درصد به دوره بیست و دوم، و ۴۴ درصد در دوره بیست و سوم قانونگذاری کاهش داده است.

ولی باید یادآور شد که در مورد مالکیت ارضی گروه نمایندگان با توجه به شغل پدر اعضاء مجالس قانونگذاری ادوار اخیر بعد از اصلاحات ارضی، داده‌های آماری ما همچنان از نفوذ خانواده‌های مالک در ترکیب گروههای اجتماعی مجالس قانونگذاری دارد.

چه بسا که برخی از نمایندگان بویژه در دوره بیست و یکم، در پاسخ به سوالهای متعدد پرسشنامه درباره مشاغل و منابع درآمد خود صادق نبوده‌اند.

درصد پدران کارمند دولت بعد از پدران مالک، اکثریت بعد از مالکان را نشان میدهد، و نسبت این گروه از پدران را در دوره بیست و یکم با ۲۹ درصد، و دوره بیست و دوم با ۳۳ درصد، و بالاخره دوره بیست و سوم با نسبتی حدود ۴۰ درصد میتوان یادآور شد.

آمار جدول مشاغل پدران، گویای این نکته است، که این گروه از پدران علاوه بر کار در بخش دولتی به مشاغل اضافی دیگر نیز پرداخته‌اند. و تنها ۱۸ درصد پدران نمایندگان دوره بیست و یکم و ۲۴ درصد همین گروه در دوره بیست و دوم تنها به خدمت در بخش دولتی اکتفا کرده‌اند. ولی در دوره بیست و سوم شمار پدران نمایندگان با سابقه کارمندی دولت افزایش چشمگیری داشته و به دو برابر همین گروه در دوره بیست و یکم میرسد. (با نسبت ۳۶/۵ درصد).

نکته گفتنی در جدول شماره ۱ مربوط به مشاغل پدران، درصد بالای پدران بازرگان و بازاری در ادوار بعد از اجرای قانون مصوب ۶ بهمن ۱۳۴۱ است. در مقام مقایسه با ادوار سه گانه مشروطیت، در ترکیب حرفه نمایندگان سه دوره اخیر، هر چند شمار نمایندگان با سوابق تجارت و کسب بسیار ناچیز است، ولی در بررسی متغیر شغل پدران در می‌یابیم که گروهی از نمایندگان با نسبتهای بالای حدود ۲۹ درصد (در دوره بیست و یکم) و ۲۳ درصد (در دوره بیست و دوم) و بیش از ۱۵ درصد (در دوره بیست و سوم) از خانواده بازاری برخاسته‌اند و پدری تاجر داشته‌اند.

بر مبنای داده‌های پژوهش حاضر، نسبت اندکی از پدران نمایندگان، صاحب مشاغل فنی عالی همچون، طبابت، و کالت دادگستری، روزنامه‌نگاری و اموری جز اینها

بوده‌اند (با نسبت ۶/۴ درصد در دوره بیست و یکم، حدود ۷ درصد دوره بیست و دوم، و حدود ۴ درصد در دوره بیست و سوم).

میافزائیم، نسبت نمایندگان برخاسته از خانواده روحانی، به موجب پاسخهای دریافتی از نمایندگان، حدود ۶ درصد کل نمایندگان در دوره بیست و یکم و بیست و دوم را در برمیگیرد. و در دوره بیست و سوم نسبت اینگروه ۸ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

منابع تأمین در آمد پدران نمایندگان

در مجموع از بررسی پاسخهای متنوع و متعدد نمایندگان در زمینه فعالیت عمده، مشاغل اضافی و نیز منبع درآمد آنها، در فصل مربوط به مشاغل نمایندگان در ادوار قانونگذاری مورد بحث، با استناد به آمار بدست آمده، این نتیجه حاصل شد که در طبقه حاکمه کشور، (نمایندگان مجلس شورای ملی) مسأله انتقال قدرت صورت گرفته است و بیان شد که طبقه مالکین بزرگ جای خود را به گروههای حواشی هسته مرکزی قدرت دوران قبل از اصلاحات ارضی، از جمله مدیران و کارمندان دواير بخش دولتی، صاحبان مشاغل فنی، همچون روزنامه‌نگاران، پزشکان و وکلای دادگستری و غیره تفویض کرده‌اند.

ولی در تجزیه و تحلیل بیشتر از پژوهش درباره مشاغل و منابع تأمین درآمد پدران نمایندگان در دوران بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی، همچنان که از پیش در بحث از مشاغل پدران بیان داشتیم. برخلاف انتظار، نتیجه مغایر با داده‌های آماری مربوط به گروه شغلی خود نمایندگان می‌باشد. به بیان روشنتر، از بررسی جدول شماره ۲- مربوط به ترکیب پراکنندگی منابع تأمین درآمد پدران نمایندگان سه دوره قانونگذاری اخیر، حکایت از تسلط مالک‌زادگان بر کرسیهای مجلس شورای ملی بعد از اجرای اصلاحات ارضی دارد.

درصد بالای بین ۵۷ تا ۶۰ درصد کل نمایندگان مورد پژوهش تایید سخن ما است. اضافه میکنیم، به موجب اطلاعات مندرج در پرسشنامه نمایندگان، درآمد پدران از یک منبع تأمین نمی‌شده است و اکثر گروه مورد بررسی، از منابع مختلف و متعدد تأمین معاش می‌کرده‌اند.

جدول شماره ۲ - وضع منابع درآمد پدران نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار تاریخی	دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
منابع درآمد						
تعداد کل نمایندگان	۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
مالکیت و کشاورزی	۶۳	۴۱/۳	۳۷	۲۳/۱	۳۸	۲۴/۴
" و مشاغل آزاد تخصصی	۲	۱/۳	۴	۲/۵	۱	۰/۶
" و درآمد کارمندی دولت	۱۴	۹/۳	۲۶	۱۵/۶	۳۱	۱۹/۹
مالکیت و روحانیت	۱	۰/۶	۷	۴/۴	۹	۵/۸
مالکیت و تجارت	۳	۲/۰	۱۸	۱۱/۳	۹	۵/۸
مالکیت و حقوق درباری	۱	۰/۶	۳	۱/۹	۲	۱/۳
مالکیت و مشاغل آزاد	-	-	۱	۰/۷	-	-
"	-	-	-	-	۱	۰/۶
درآمد کارمندی مؤسسات غیردولتی	-	-	۱	۰/۷	-	-
" و درآمد کارمندی و تجارت	-	-	-	-	۱	۰/۶
" و " و مشاغل تخصصی عالی	-	-	-	-	-	-
مالکیت مستغلات و درآمد کارمندی	۲	۱/۳	-	-	-	-
درآمد کارمندی دولت	۲۲	۱۴/۴	۲۷	۱۶/۹	۳۰	۱۹/۳
" و مشاغل آزاد تخصصی	-	-	۳	۱/۹	۲	۱/۳
درآمد کارمندی دولت و تجارت	۱	۰/۶	۴	۲/۵	۳	۱/۹
روحانیت	۲	۱/۳	-	-	۳	۱/۹
مشاغل آزاد تخصصی	۶	۳/۹	۳	۱/۹	۵	۳/۲
تجارت	۲۲	۱۴/۴	۱۳	۸/۲	۱۲	۷/۷
مشاغل آزاد	۱	۰/۶	۲	۱/۳	۲	۱/۳
درآمد کارمندی مؤسسات خصوصی	۱	۰/۶	۱	۰/۷	۱	۰/۶
اصناف	۳	۲/۰	۵	۳/۲	۱	۰/۶
درآمد کارگری	۱	۰/۶	۴	۲/۵	۲	۱/۳
درآمد مالکیت مستغلات	۱	۰/۶	-	-	-	-
اظهار نشده	۷	۴/۶	۱	۰/۷	۳	۱/۹
جمع کل نمایندگان پاسخ داده	۱۵۳	۱۰۰	۱۶۰	۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰

با اینهمه، عوائد حاصل از مالکیت ارضی و کشاورزی تنها منبع درآمد نسبت بالائی از پدران در ادوار بیست و یکم قانونگذاری (با نسبت بیش از ۴۱ درصد از کل ۵۷ درصد پدران با تأمین درآمد حاصل از مالکیت) و دوره بیست و دوم (با ۲۳ درصد از ۶۰ درصد کل گروه با درآمد مالکیت) و دوره بیست و سوم (با افزون بر ۲۴ درصد گروه مورد بحث) بوده است.

از نسبت پدران حقوق بگیر دولت با عواید حاصل از مشاغل اضافی با ۲۵ درصد کل پدران دوره بیست و یکم، و حدود ۳۸ درصد دوره بیست و دوم، و ۴۲ درصد دوره بیست و سوم نام برده میشود.

اما نکته گفتنی در این نسبتها، اشاره به درصد پدرانی است که تنها از طریق حقوق دولتی امرار معاش می کرده اند. چیزی در حد نیمی از گروه پدران کارمند در دوره بیست و یکم و ۲۷ درصد از ۳۸ درصد گروه پدران با مزایا و حقوق دولتی، و بیش از ۱۹ درصد از گروه نمایندگان با درآمد حاصل از خدمت در بخشهای دولتی در دوره بیست و سوم می باشد و بطوری که ملاحظه می شود درصد اندکی را شامل می گردد.

می افزاییم، شمار قابل ملاحظه ای از پدران علاوه بر درآمد از مشاغل مختلف، از راه تجارت و بازرگانی نیز امرار معاش می کرده اند، توجه به جدول منابع درآمد پدران نشان میدهد که، بیش از ۱۸ درصد پدران نمایندگان دوره بیست و یکم، بیش از $\frac{1}{4}$ پدران نمایندگان دوره بیست و دوم، و حدود $\frac{1}{4}$ پدران نمایندگان دوره بیست و سوم از عواید حاصل از کسب و تجارت امرار معاش می کرده اند، و یا سود حاصل از این طریق، قسمتی از درآمد آنان را تشکیل میداده است.

در مجموع بالاترین نسبتها را در گروه مشاغل و منابع تأمین درآمد پدران، گروه مالکان اراضی مزروعی در مرحله نخست، و حقوق بگیران دولت در مرحله دوم، و بازرگانان و اصناف در مرحله سوم در برمیگیرند.

شمار اندکی از پدران نمایندگان، از طریق مشاغل تخصصی عالی، روحانیت، و مشاغل آزاد کسب درآمد می کرده اند.

تأمین معاش از راه دستمزد کارگری رقم بسیار پائینی را در میان خانواده نمایندگان نشان میدهد (۱ نفر دوره بیست و یکم، ۴ نفر دوره بیست و دوم، و ۲ نفر دوره بیست و سوم).

رابطه شغل نمایندگان با شغل پدران

بدنبال ارایه یافته‌های پژوهشی حاضر در باب مشاغل نمایندگان و پدران آنها، نتیجه بررسی دقیقتر دیگری را که درباره ویژگی خانواده نمایندگان بعمل آمده است. با در نظر گرفتن رابطه شغل نمایندگان با مشاغل پدران آنها بیان میداریم، تا روشنی و صحت بیشتری به داده‌های آماری و توضیحات پیشین ما در باره قشر بندی قدرت سیاسی در اجتماع ایران عصر مشروطیت به بخشیم.

حاصل کنجکاو در مورد متغیر مشاغل نمایندگان و پدران، در جداول مربوط به هر گروه شغلی روشنگر میزان رابطه نزدیک میان حرفه نمایندگان با حرفه پدران است که ما در هر گروه بطور جداگانه از آن سخن می‌گوییم.

گروه نمایندگان با سابقه کارمندی دولت

نکته جالب توجه در جدول شماره ۳- مربوط به شغل پدران نمایندگان کارمند دولت دیده می‌شود. اگر ارقام مربوط به پدران مالک با مشاغل اضافی را بر یکدیگر بیفزاییم، معلوم میگردد، در حدود ۳۸ درصد نمایندگان حقوق بگیر بخش دولتی در دوره بیست و یکم از خانواده مالکان بوده‌اند، و تنها ۱۷ درصد نمایندگان با سابقه کارمندی دولت از خانواده کارمند دولت برخاسته‌اند.

این نسبت در دو دوره اخیر مشروطیت افزایش قابل ملاحظه دارد، بطوری که از ۳۸ درصد دوره ۲۱ به بیش از ۶۲ درصد در دوره بیست و دوم، و بیش از ۶۱ درصد به دوره بیست و سوم میرسد.

بعبارت دیگر عامل وراثت شغلی در میان گروه نمایندگان با سابقه خدمات دولتی و در این مورد خاص صدق نمیکند.

و نسبت ۴۷ درصد پدران گروه کارمند و مشاغل اضافی با بیش از ۶۲ درصد پدران مالک در دوره بیست و دوم، و ۴۸ درصد همین گروه از پدران در برابر بیش از ۶۱ درصد پدران مالک تایید سخن ما می‌باشد.

جدول شماره ۳ - وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان با سابقه کارمندی دولت در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار مجالس قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد کل نمایندگان کارمند		۱۳۶		۱۲۴		۱۱۴	
ملاک و کشاورز	۳۱	۲۲/۸	۳۰	۲۴/۲	۲۶	۲۲/۸	
ملاک و کارمند دولت	۱۴	۱۰/۴	۲۴	۱۹/۴	۲۴	۲۱/۰	
ملاک و تاجر	۴	۲/۹	۱۲	۹/۷	۹	۷/۹	
ملاک و روحانی	-	-	۵	۴/۰	۶	۵/۲	
ملاک و کارمند دربار	-	-	۳	۲/۴	۲	۱/۸	
" و کارمند دولت و مشاغل تخصصی	-	-	-	-	۱	۰/۹	
" و کارمند مؤسسات غیردولتی	۱	۰/۷	-	-	۱	۰/۹	
" و مشاغل عالی تخصصی	۲	۱/۵	۲	۱/۶	۱	۰/۹	
" و تاجر و کارمند دولت	-	-	۱	۰/۸	-	-	
کارمند دولت	۲۳	۱۶/۹	۲۶	۲۱/۰	۲۷	۲۳/۶	
کارمند دولت و تاجر	۲	۱/۵	۵	۴/۰	۲	۱/۸	
روحانی	-	-	-	-	۳	۲/۶	
تاجر	۱۲	۸/۸	۷	۵/۷	۴	۳/۵	
مشاغل آزاد تخصصی عالی	۵	۳/۷	۳	۲/۴	۳	۲/۶	
" و کارمند دولت	۱	۰/۷	۲	۱/۶	۱	۰/۹	
مشاغل آزاد	-	-	۲	۱/۶	۲	۱/۸	
زارع	۱	۰/۷	-	-	-	-	
اصناف	-	-	۲	۱/۶	-	-	
کارمند مؤسسات غیردولتی	۱	۰/۷	-	-	-	-	
اظهار نشده	۳۹	۲۸/۷	-	-	۲	۱/۸	
جمع کل نمایندگان با سابقه کارمندی	۱۳۶	۱۰۰	۱۲۴	۱۰۰	۱۱۴	۱۰۰	

گروه نمایندگان مالک

جدول شماره ۴- مربوط به وضع شغل پدران نمایندگان مالک، در سه دوره بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی حکایتی دگر دارد.

نسبتهای چشمگیر پدران مالک با ۷۴ درصد (در دوره بیست و یکم) و حدود ۸۸ درصد (در دوره بیست و دوم) و ۸۷ درصد (در دوره بیست و سوم) تاییدی است بر کثرت گروه نمایندگان مالک که مالکیت اراضی مزروعی در خانواده آنها موروثی بوده است.

نسبت پدرانی که علاوه بر مالکیت، به مشاغل دیگری از جمله کارمندی دولت، و تجارت اشتغال داشته‌اند با ۱۷ درصد در دوره بیست و یکم، ۳۲ درصد در دوره بیست و دوم و ۳۴ درصد در دوره بیست و سوم قانونگذاری بکارمندی دولت، و پدران بازرگان در گروه نمایندگان مالک با ۱۰ درصد (در دوره بیست و یکم) و بیش از ۲۵ درصد (در دوره بیست و دوم) و حدود ۱۲ درصد (در دوره بیست و سوم) در برابر پدران مالک نسبتی پایین را نشان میدهد.

رابطه نزدیک شغلی پدر و پسر در گروه نمایندگان مالک، علاوه بر اینکه مبین مسأله وراثت شغلی در مورد گروه مالکان می‌باشد. این نکته را نیز بر ما آشکار می‌سازد که اگر چه، مالکیت فعالیت عمده و شغل اساسی نمایندگان ادوار سه گانه مجلس شورای ملی بعد از اجرای اصلاحات ارضی نبوده است ولی خانواده آنها از طبقه مالکان اراضی مزروعی بوده‌اند.

گروه نمایندگان صاحب مشاغل تخصصی

جدول شماره ۵- وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان با مشاغل فنی و تخصصی نشان می‌دهد، که در این گروه شغلی نیز، در هر سه دوره نمایندگی اخیر مجلس شورای ملی، پدران مالک با نسبتهای چشمگیر تفوق دارند. چه نسبت گروه پدران مالک در دوره بیست و یکم حدود ۳۷ درصد، و در دوره بیست و دوم ۵۰ درصد، و در دوره بیست و سوم حدود ۵۳ درصد دیده می‌شود.

بعد از پدران مالک، از قشر پدران کارمند دولت در گروه مورد نظر در دوره‌های اخیر مورد پژوهش به ترتیب با نسبتهای ۲۴/۴ درصد، و حدود ۵۰ درصد، و ۴۷/۵

جدول شماره ۴ - وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان مالک در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان مالک		۶۹		۷۵		۶۸	
مالک و کشاورز		۴۱	۵۹/۵	۳۰	۴۰/۰	۲۲	۳۲/۳
مالک و کارمند دولت		۷	۱۰/۲	۱۶	۲۱/۳	۱۷	۲۵
مالک و تاجر		۲	۲/۹	۱۴	۱۸/۷	۷	۱۰/۳
مالک و روحانی		-	-	۳	۴/۰	۷	۱۰/۳
مالک و کارمند دولت		-	-	-	-	-	-
" و کارمند، مشاغل تخصصی عالی		-	-	-	-	۱	۱/۵
" و کارمند درباری		-	-	۱	۱/۳	۲	۲/۹
" و کارمند، تاجر		-	-	۱	۱/۳	-	-
" و مشاغل تخصصی عالی		-	-	۱	۱/۳	۲	۲/۹
کارمند دولت		۳	۴/۴	۵	۶/۷	۶	۸/۸
کارمند دولت و تاجر		۱	۱/۴	۲	۲/۷	-	-
کارمند دولت و مشاغل تخصصی عالی		۱	۱/۴	-	-	-	-
تاجر		۴	۵/۸	۲	۲/۷	۱	۱/۵
روحانی		۱	۱/۴	-	-	۱	۱/۵
مالک و کارمند مؤسسات غیردولتی		۱	۱/۴	-	-	۱	۱/۵
جمع کل		۶۹	۱۰۰	۷۵	۱۰۰	۶۸	۱۰۰

درصد را یادآور می‌شویم.

باید افزود این آمار مربوط به کارمندان دولت همراه با مشاغل اضافی می‌باشد، و شمار پدران این گروه از نمایندگان که تنها به کارمندی دولت اشتغال داشته‌اند با نسبتهای ۱۷ درصد (دوره بیست و یکم) و حدود ۲۰ درصد (در دوره بیست و دوم) و بیش از ۱۶ درصد (در دوره بیست و سوم) جامعه آزمایشی ما را تشکیل می‌دهد.

نسبت پدران بازرگان نیز در گروه نمایندگان با سابقه حرفه فنی و تخصصی در خور یادآوری می‌باشد. و در هر سه دوره مورد آزمایش ما، بعد از گروه پدران شاغل در بخش خدمات دولتی بازرگانان در مرتبه سوم از اکثریت قرار دارند. (حدود ۱۵ درصد در دوره بیست و یکم، حدود ۲۰ درصد در دوره بیست و دوم و بیش از ۲۷ درصد در دوره بیست و سوم).

یادآور می‌شویم، نسبت پدرانی که تنها به شغل بازرگانی بسنده کرده‌اند اندک نیست و بطوری که جدول ما حکایت می‌کند. این پدران نسبتی حدود ۱۵ درصد در دوره بیست و یکم، و حدود ۹ و ۱۰ درصد در دوره‌های بیست و دوم و بیست و سوم دارند.

درصد پدرانی که به حرفه تخصصی و فنی همچون طبابت، روزنامه‌نگاری، وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و جز اینها پرداخته‌اند اندک می‌باشد. حدود ۱۰ درصد جامعه مورد پژوهش ما را در دوره بیست و یکم، و بیش از ۱۳ درصد در هر یک از دو دوره بیست و دوم و بیست و سوم تشکیل می‌دهد.

گروه نمایندگان بازرگان

از پیش بیان داشتیم، که شمار نمایندگان با سابقه تجارت و کسب در دوران اخیر مشروطیت نسبت بادوار گذشته بتدریج کاهش یافته است. نمایندگان این گروه شغلی، در دوره بیست و یکم حدود ۱۰ درصد و در دوره بیست و دوم حدود ۸ درصد و در دوره بیست و سوم حدود ۳ درصد کل جامعه مورد مطالعه را در برمیگیرد.

نکته مهم در جدول شماره ۶- در رابطه با مشاغل پدران این گروه از نمایندگان در دوره بیست و یکم بالا بودن نسبت پدران مالک می‌باشد. بطوری که بیش از ۴۷

جدول شماره ۵- وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد تخصصی

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
تعداد نمایندگان مشاغل تخصصی		۴۱		۴۶		۶۱	
مالک و کشاورز	۱۱	۲۶/۸	۶	۱۳/۰	۷	۱۱/۵	
مالک و کارمند دولت	۲	۴/۹	۱۰	۲۱/۶	۱۵	۲۴/۵	
مالک و تاجر	-	-	۴	۸/۷	۲	۳/۲	
"و کارمند دولت و مشاغل تخصصی	-	-	-	-	۱	۱/۷	
مالک و روحانی	-	-	۲	۴/۴	۵	۸/۲	
"و کارمند مؤسسات غیردولتی	۱	۲/۴	-	-	۱	۱/۷	
"و مشاغل تخصصی عالی	۱	۲/۴	۱	۲/۲	۱	۱/۷	
کارمند دولت	۷	۱۷/۱	۹	۱۹/۵	۱۰	۱۶/۴	
"و مشاغل آزاد تخصصی عالی	۱	۲/۴	۳	۶/۵	۲	۳/۳	
کارمند دولت و تاجر	-	-	۱	۲/۲	۱	۱/۷	
روحانی	-	-	۲	۴/۴	۲	۳/۲	
تاجر	۶	۱۴/۷	۴	۸/۷	۶	۹/۸	
مشاغل آزاد تخصصی عالی	۲	۴/۹	۲	۴/۴	۴	۶/۶	
مشاغل آزاد	-	-	-	-	۱	۱/۷	
اظهار نشده	۱۰	۲۴/۴	۲	۴/۴	۳	۴/۹	
جمع کل	۴۱	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۶۱	۱۰۰	

د. گروه نمایندگان تاجر، پدري مالک داشته‌اند و تنها ۳۲ درصد از نمایندگان مورد بحث ما، از خانواده بازرگان برخاسته‌اند.

در دو دوره اخیر هر چند آمار نمایندگان بازاری کاهش را نشان می‌دهد. با اینهمه اشاره به مشاغل پدران این گروه خالی از فایده نیست. نتیجه بررسی آمار دو دوره اخیر همانند، دوره بیست و یکم، اندک بودن شمار پدران تاجر در برابر پدران مالک است. در واقع $\frac{1}{3}$ پدران نمایندگان بازاری دوره بیست و دوم فقط به امر تجارت پرداخته‌اند و $\frac{2}{3}$ بقیه پدران، به مالکیت و تجارت، و یک تن نیز علاوه بر مالکیت به کارمندی در بخشهای دولتی اشتغال داشته است.

در دوره بیست و سوم، از جمع ۴ تن نماینده بازاری ۳ تن از پدران آنها به تجارت و کسب و یک تن علاوه بر تجارت به مالکیت نیز پرداخته است.

در مورد گروه‌های نمایندگان با سابقه شغلی، کارمندی در مؤسسات ملی و غیر دولتی، نمایندگان که به مشاغل آزاد پرداخته‌اند، همچنین از گروه نمایندگان که با سابقه کارگری در بخشهای دولتی، و سرمایه‌داران، هر چند در اقلیت می‌باشند. با اینهمه جداول آماری در رابطه با شغل پدران هر یک از گروه‌های شغلی مذکور در فوق تنظیم گردید. و بررسی جداول مزبور و داده‌های آماری حکایت از اشتغال پدران گروه‌های مورد نظر به مشاغل متنوع و متعدد دارد. ولی در مجموع.

از توجه به جداول شماره ۷-۸-۹-۱۰ این نتیجه بدست می‌آید. که غالب پدران، در این گروه‌های شغلی نمایندگان، مالک بوده‌اند. جز در مورد گروه نمایندگان با سابقه کارگری در دوره بیست و یکم قانونگذاری که اکثریت با پدران کارگر است.

حرفه و مشاغل عمده اعضاء خانواده نمایندگان

در تکمیل اطلاعات بمنظور دستیابی به منشا اجتماعی و ویژگیهای خانواده نمایندگان مجلس شورای ملی، ضمن سؤالی در پرسشنامه از پاسخگویان جویای حرفه و مشاغل بستگان نزدیک آنها نیز شدیم. کمتر از ۳۱ درصد نمایندگان دوره بیست و دوم، و ۲۷ درصد نمایندگان دوره بیست و سوم در برابر این سؤال سکوت اختیار کرده‌اند.

جدول شماره ۶ - وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان بازرگان

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
نوع مشاغل پدران		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان تاجر		۱۹		۱۲		۴	
تاجر	۵	۲۶/۳	۴	۳۳/۴	۲	۵۰/۰	
تاجر و مالک	-	-	۶	۵۰/۰	۱	۲۵/۰	
کارمند دولت و ملاک	-	-	۱	۸/۳	-	-	
مالک	۸	۴۲/۱	۱	۸/۳	-	-	
اصناف	۱	۵/۳	-	-	۱	۲۵/۰	
اصناف و کارمند دولت	۱	۵/۳	-	-	-	-	
اظهار نشده	۴	۲۱/۰	-	-	-	-	
جمع کل نمایندگان تاجر	۱۹	۱۰۰	۱۲	۱۰۰	۴	۱۰۰	

جدول شماره ۷ - نوع مشاغل پدران در گروه کارمندان مؤسسات غیردولتی

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
جمع نمایندگان		۱۱		-		۴	
مالک و دریاری		-	-	-	-	۱	۲۵
مالک و کارمند دولت		۱	۹/۱	-	-	۱	۲۵
بازرگان		۱	۹/۱	-	-	۱	۲۵
مالک و کشاورز		۴	۳۶/۳	-	-	-	-
مشاغل آزاد		۱	۹/۱	-	-	-	-
کارمند دولت		۲	۱۸/۲	-	-	-	-
اظهار نشده		۲	۱۸/۲	-	-	۱	۲۵
جمع گروه نمایندگان کارمند مؤسسات ملی		۱۱	۱۰۰	-	-	۴	۱۰۰

جدول شماره ۸ - وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان سرمایه‌دار

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان سرمایه‌دار		۵		۱		۲	
تاجر		۲	۴۰	-	-	۱	-
کارمند دولت و ملاک		۲	۴۰	-	-	-	-
روحانی و مالک		-	-	-	-	۱	-
تاجر و مالک		-	-	۱	-	-	-
مالک		۱	۲۰	-	-	-	-
جمع گروه نمایندگان سرمایه‌دار		۵	۱۰۰	۱	-	۲	-

جدول شماره ۹ - وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان صاحب مشاغل آزاد

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان شغل آزاد		-		۷		۴	
کشاورزی		-	-	۱	۱۴/۳	۲	۵۰/۰
کشاورزی و روحانیت		-	-	۱	۱۴/۳	۱	۲۵/۰
مالک و مشاغل تخصصی عالی		-	-	۲	۲۸/۶	-	-
تجارت		-	-	۱	۱۴/۳	۱	۲۵
اصناف		-	-	۲	۲۸/۵	-	-
جمع نمایندگان مشاغل آزاد		-	-	۷	۱۰۰	۴	۱۰۰

جدول شماره ۱۰ - وضع مشاغل پدران در گروه نمایندگان کارگر

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان کارگر		۶		۱۰		۵	
کارگر		۱	۱۶/۷	۴	۴۰	۲	۴۰
اصناف		۱	۱۶/۷	۳	۳۰	۱	۲۰
زارع		۲	۲۳/۲	-	-	-	-
مشاغل آزاد		۱	۱۶/۷	۱	۱۰	-	-
کارمند دولت		۱	۱۶/۷	۱	۱۰	۱	۲۰
کارمند مؤسسات غیردولتی		-	-	۱	۱۰	۱	۲۰
جمع نمایندگان با سابقه کارگری		۶	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	۵	۱۰۰

ولی از تجزیه و تحلیل پاسخ بقیه نمایندگان چنین برمی آید. که در هر دو دوره بیست و دوم و بیست و سوم، در مجموع بیش از ۵۰ درصد، گروه مورد پژوهش، حرفه و شغل اعضای خانواده خود را کارمندی دولت قید کرده اند. (۵۰ درصد در دوره بیست و دوم، و حدود ۵۳ درصد در دوره بیست و سوم).

گروه مالکان و کشاورزان در خانواده نمایندگان، در مرتبه دوم از اکثریت با بیش از ۲۴ درصد در دوره بیست و دوم و حدود ۲۲ درصد در دوره بیست و سوم قرار دارند.

در اینجا باید یادآور شویم، که با احتمال قرین به یقین، پاسخگویان، اشاره به فعالیت عمده و شغل اصلی اعضای خانواده کرده اند و منبع درآمد و مالکیت املاک مزروعی و مستغلاتی خانواده را مد نظر نداشته اند.

بعد از مالکان، از نظر اکثریت، باید از بازرگانان و اصناف با حدود ۱۶ درصد در دوره بیست و دوم و حدود ۱۳ درصد در دوره بیست و سوم یاد کرد.

هرچند گروه صاحبان مشاغل فنی تخصصی، همچون طبابت، روزنامه نگاری و وکالت دادگستری و جز اینها در دوره بیست و سوم نسبتی افزون بر بازاریان دارند (حدود ۱۷ درصد) باید افزود رقم این گروه در دوره بیست و دوم با ۱۱ درصد بعد از گروه بازاری قرار گرفته اند ناگفته نماند به موجب جدول شماره ۱۱ - نسبت اندکی از اعضای خانواده نمایندگان به مشاغل آزاد اشتغال داشته اند (بیش از ۹ درصد در دوره بیست و دوم، و ۸ درصد در دوره بیست و سوم).

تعداد اندکی از پاسخگویان، از وجود اعضای روحانی در میان خانواده خود اطلاع داده اند از شمار آنها: ۶ نفر در دوره بیست و دوم، و ۳ نفر در دوره بیست و سوم میتوان یاد کرد.

جدول شماره ۱۱ - حرفه و مشاغل اعضای نزدیک خانواده نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
نوع مشاغل		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان پاسخ داده		-		۱۶۰		۱۵۶	
تجارت		-	-	۱۸	۱۱/۳	۲۰	۲۰
کشاورزی و دامپروری		-	-	۳۹	۲۴/۴	۳۴	۲۱/۸
کارمند دولت		-	-	۸۰	۵۰/۰	۸۲	۵۲/۶
روحانی		-	-	۶	۳/۸	۳	۱/۹
مشاغل آزاد تخصصی عالی		-	-	۱۸	۱۱/۳	۲۶	۱۶/۷
مشاغل آزاد		-	-	۱۵	۹/۴	۱۳	۸/۳
اصناف		-	-	۷	۴/۴	-	-
کارمند دربار		-	-	-	-	۲	۱/۳
اظهار نشده		-	-	۵۰	۳۱/۳	۴۲	۲۶/۹
جمع کل							

جدول شماره ۱۲ - وضع عضویت بستگان نمایندگان در طبقه حاکمه کشور (نمایندگان مجلسین)

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
تعداد اعضاء خانواده		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان پاسخ داده		۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
یک تن از بستگان	۳۴	۴۷/۹	۳۰	۴۶/۲	۳۳	۴۴/۰	
دو تن از بستگان	۱۶	۲۲/۶	۱۲	۱۸/۵	۱۴	۱۸/۷	
سه تن از بستگان	۷	۹/۹	۱۰	۱۵/۴	۱۱	۱۴/۷	
چهار تن از بستگان	۴	۵/۶	۳	۴/۶	۱	۱/۳	
پنج تن از بستگان	۳	۴/۲	۲	۳/۱	۴	۵/۴	
شش تن از بستگان	۲	۲/۸	۴	۶/۲	۷	۹/۴	
هشت تن از بستگان	۲	۲/۸	۱	۱/۵	۱	۱/۳	
ده تن از بستگان	-	-	۱	۱/۵	۱	۱/۳	
یازده تن از بستگان	۱	۱/۴	-	-	۱	۱/۳	
دوازده تن از بستگان	-	-	۱	۱/۵	۱	۱/۳	
سیزده تن از بستگان	۱	۱/۴	-	-	۱	۱/۳	
چهارده تن از بستگان	۱	۱/۴	-	-	-	-	
شانزده تن از بستگان	-	-	۱	۱/۵	-	-	
جمع کل	۷۱	۱۰۰	۶۵	۱۰۰	۷۵	۱۰۰	

سابقه عضویت بستگان نمایندگان

در طبقه حاکمه مملکت

بمنظور دریافت میزان عامل وراثت مشاغل سیاسی در طبقه حاکمه عصر مشروطیت، از نمایندگان خواستیم، چنانچه در میان بستگان نزدیک و دور آنها فرد یا افرادی به مقام و کالت مجلسین رسیده‌اند مشخص سازند. متأسفانه تعداد نمایندگان که به این پرسش پاسخ داده‌اند، اطلاعات ناقص و نسبت بالایی را در بر نمی‌گیرد.

جدول شماره ۱۲ مربوط به سوابق نمایندگی در خانواده و کلای مجلسین، این مطلب را برای ما روشن می‌سازد که حرفه نمایندگی مجلس در بین ۴/۶ درصد خانواده نمایندگان دوره بیست و یکم و ۶/۵ درصد نمایندگان دوره بیست و دوم و بیش از ۸/۴ درصد نمایندگان دوره بیست و سوم بدون سابقه نبوده است.

به بیان دیگر، هر چند در سه دوره اخیر مشروطیت به ترتیب ۷۸ درصد، و ۵۶ درصد، و ۵۵ درصد نمایندگان ادوار بیست و یکم، بیست و دوم و بیست و سوم اعضاء جدید را بخود پذیرفته است، ولی نسبت بالایی از نمایندگان مجالس مذکور از میان خانواده‌هایی برخاسته‌اند که بیشتر از یک تا ۱۶ تن از اعضاء خانواده، اعم از پدر، برادر، عمو، عموزادگان و سایر اقربا نسبی و سببی در طی دوره‌های مختلف مجالس قانونگذاری، در عرصه سیاست کشور سهمی مؤثر داشته‌اند و در این ادوار نیز با انتخاب کاندیداهای تازه از میان اعضاء خانواده، سنت نمایندگی را در خانواده خویش همچنان حفظ کرده‌اند.

داده‌های آماری ما حکایت از آن دارد که حدود ۴۸ درصد این گروه از نمایندگان دوره بیست و یکم و بیش از ۴۶ درصد از نمایندگان دوره بیست و دوم، و ۴۴ درصد از وکلای دوره بیست و سوم، فقط یک تن از اعضاء خانواده آنها موفق به احراز کرسی‌های مجلس شورای ملی گردیده‌اند.

و نمایندگان که ۲ تن از اعضاء خانواده آنها سابقه وکالت داشته‌اند به ترتیب با نسبت‌های حدود ۲۳ درصد، و ۱۹ درصد در ادوار سه گانه مورد پژوهش حاضر، دیده می‌شود.

بیش از ۲۵ درصد (در دوره بیست و یکم) و ۳۲/۵ درصد (دوره بیست و دوم) و بیش از ۳۳ درصد گروه مورد بحث (در دوره بیست و سوم) بین ۳ تا ۱۰ تن از بستگان به وکالت مجلسین رسیده‌اند.

جدول شماره ۱۳- شمار و درصد نمایندگان که نسبتی با مقامهای بلند پایه سیاسی و هیأت وزیران داشته‌اند، ما را باین نتیجه میرساند که بیش از ۱۶ تا ۲۰ درصد نمایندگان سه دوره بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی، بین ۱ تا ۷ تن از بستگان به مقام نخست وزیری و وزارت رسیده‌اند.

تحصیلات پدران نمایندگان

متغیر دیگر برای دستیابی به منشأ اجتماعی نمایندگان، بررسی در وضع سواد و درجه تحصیلات خانواده نمایندگان می‌باشد. متأسفانه چون اطلاعات ما در مورد وکلای مجلس بیست و یکم ناقص می‌باشد، در نتیجه از آرایه اطلاعات ناقص خودداری کردیم ولی از بررسی جدول شماره ۱۴ مربوط به نوع و درجه تحصیلات پدران نمایندگان دو دوره اخیر بعد از اجرای اصلاحات ارضی، نشان میدهد که شماری از نمایندگان از پاسخ به سؤال مربوط به تحصیلات پدرشان خودداری کرده‌اند (۱۰ درصد در دوره بیست و دوم و حدود ۱۲ درصد در دوره بیست و سوم) و از پاسخ ۵ درصد نمایندگان دوره بیست و دوم و بیش از ۳ درصد نمایندگان دوره بیست و سوم چنین برمی‌آید که پدران آنها از نعمت سواد بی‌بهره بوده‌اند.

و اگر این فرض را بپذیریم که علت عدم پاسخ برخی از نمایندگان درباره وضع معلومات و دانش پدرشان عدم سواد آنها بوده است و شمار این گروه را بر تعداد

جدول شماره ۱۳ - وضع عضویت بستگان نمایندگان در هیأت وزیران

ادوار قانونگذاری		دوره بیست و یکم		دوره بیست و دوم		دوره بیست و سوم	
تعداد اعضاء خانواده		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تعداد نمایندگان		۱۵۳		۱۶۰		۱۵۶	
یک تن از بستگان	۱۰	۴۰	۱۷	۵۴/۸	۱۴	۵۶/۰	
دو تن از بستگان	۵	۲۰/۰	۷	۲۲/۶	۷	۲۸	
سه تن از بستگان	۵	۲۰/۰	۳	۹/۷	۱	۴/۰	
چهار تن از بستگان	۲	۸/۰	۲	۶/۵	۲	۸/۰	
پنج تن از بستگان	۲	۸/۰	۱	۳/۲	۱	۴/۰	
شش تن از بستگان	۱	۴/۰	-	-	-	-	
هفت تن از بستگان	-	-	۱	۳/۲	-	-	
جمع نمایندگان پاسخ داده	۲۵	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	

جدول شماره ۱۴ - وضع نوع و درجه تحصیلات پدران نمایندگان در ادوار بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی

دوره سوم		دوره دوم		دوره اول		ادوار قانونگذاری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	نوع و درجه تحصیلات نمایندگان
۱۵۶		۱۶۰		-		تعداد نمایندگان
۴۲/۳	۶۶	۴۳/۵	۷۰	-	-	مقدمات
۱۰/۹	۱۷	۶/۴	۱۰	-	-	سطح
۵/۱	۸	۱۰/۶	۱۷	-	-	مدرسی
۹/۶	۱۵	۶/۹	۱۱	-	-	اجتهاد
۶۷/۹	۱۰۶	۶۷/۴	۱۰۸	-	-	جمع قدیم
۱/۹	۳	-	-	-	-	دیپلم و مقدمات
۰/۷	۱	۲/۵	۴	-	-	دیپلم و سطح
-	-	۱/۳	۲	-	-	لیسانس و سطح
۰/۷	۱	-	-	-	-	لیسانس و مدرسی
۰/۷	۱	-	-	-	-	سطح و دکترا
۴/۰	۶	۳/۸	۶	-	-	جمع قدیم و جدید
۲/۶	۴	۲/۵	۴	-	-	کمتر از دیپلم
۲/۶	۴	۴/۳	۷	-	-	دیپلم
۱/۹	۳	۱/۳	۲	-	-	فوق دیپلم
۲/۶	۴	۱/۹	۳	-	-	لیسانس
-	-	-	-	-	-	فوق لیسانس
۳/۲	۵	۱/۹	۳	-	-	دکترا
-	-	۱/۳	۲	-	-	حدود دکترا
۰/۶	۱	۰/۶	۱	-	-	حدود لیسانس
۱۳/۵	۲۱	۱۳/۸	۲۲	-	-	جمع جدید
۳/۲	۵	۵/۰	۸	-	-	یسواد
۱۱/۶	۱۸	۱۰	۱۶	-	-	اظهار نشده
۱۰۰	۱۵۶	۱۰۰	۱۶۰	-	-	جمع کل

بیسوادان اظهار شده بيفزاییم نتیجه میگیریم که ۱۵ درصد گروه مورد پژوهش در دوره بیست و دوم و بیست و سوم احتمالاً پدرانی بی سواد داشته‌اند.

آمار وضع تحصیل ۸۵ درصد پدران باسواد هر دو دوره مذکور به موجب جدول شماره ۱۴ حکایت از آن دارد که اکثر پدران پاسخگویان ما (با نسبت ۶۷/۴ درصد در دوره بیست و دوم و حدود ۶۸ درصد در دوره بیست و سوم) تحصیلات قدیمه داشته‌اند و درصد ناچیزی (۱۷/۶ درصد در دوره بیست و دوم و حدود ۱۵ درصد در دوره بیست و سوم) از این گروه از تحصیلات قدیم و با درجه معلومات عالی در حد مدرسی و اجتهاد برخوردار بوده‌اند.

قابل توجه آن که اکثریت درخور توجهی از پدران دارای معلوماتی مقدماتی که در حد خواندن و نوشتن و بدون مدرک تحصیلی جدید بوده‌اند (با نسبت‌های ۴۳/۵٪ در دوره بیست و دوم و بیش از ۴۲ درصد در دوره بیست و سوم).

درصد ناچیزی از پدران نمایندگان (حدود ۱۴ درصد پاسخگویان دوره بیست و دوم و ۱۳/۵ درصد همین گروه در دوره بیست و سوم قانونگذاری) از تحصیلات کلاسیک و جدید برخوردار بوده‌اند که از این نسبت حدود ۳ درصد (۲/۵ درصد در دوره بیست و دوم و ۲/۶ درصد در دوره بیست و سوم) معلوماتی کمتر از دیپلم داشته‌اند.

نسبت دارندگان مدارک دانشگاهی (اعم از لیسانس، فوق لیسانس و دکترا) با ۵/۷ درصد در دوره بیست و دوم و بیش از ۶ درصد در دوره بیست و سوم میتوان ذکر کرد.

اگر سطح آگاهی و اطلاعات علمی پدران را بدون توجه به نوع تحصیلات مورد نظر قرار دهیم به این نتیجه میرسیم که حدود $\frac{1}{4}$ پدران نمایندگان در هر یک از دو دوره اخیر از درجه تحصیلات عالی، لیسانس و دکترا و مدرسی و اجتهاد برخوردار بوده‌اند.

بطور کلی با توجه بدرجهٔ تحصیل و گروه سنی و بخصوص منشأ خانوادگی نمایندگان در عصر اول، میتوان گفت که انعکاس اوضاع اجتماعی و در واقع تغییر رژیم حکومت و انقلاب ملی در عصر اول مشروطیت، با نسبت بیشتری از عصر دوم و سوم مشروطیت دیده میشود. (عصر سلطنت خاندان پهلوی)

* * *

رشد طبقات متوسط، افزایش طبقهٔ بازرگانان و اصناف و شرکت مستقیم عامهٔ روحانیان در سیاست روز با قدرت سیاسی که این دو طبقه در جریان انقلاب ایران بدست آوردند، اثر محسوس در ترکیب طبقاتی مجلس ملی ایران نمود. پذیرفته شدن نسل جوان با سطح تحصیلات بالاتر که مؤمن بانقلاب بودند و با دید روشن بین‌تری نسبت بحکومت ملی می‌نگریستند، مسأله شایان توجهی است که در عصر اول مشروطیت بتحقیق پیوست.

بطوریکه از جداول ما برمی‌آید، پنج دورهٔ اول مجلس نسبت بیشتری از گروه سنی جوان بین ۳۰ تا ۴۰ ساله را پذیرفته است، چه این گروه در عصر اول مشروطیت بانسبت ۴۷٪ در مقابل ۱۶ درصد مربوط به گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ ساله، اکثریت مجلس را داشته‌اند.

و نیز بموجب جداول مربوط به تحصیلات نمایندگان از آغاز مشروطیت تا دورهٔ بیست و یکم، نسبت ۴۸ درصد که مربوط به نمایندگان دارای تحصیلات عالی در عصر اول است اگر با دو عصر دوم و سوم مشروطیت سنجیده شود در خور تأمل است، بویژه نسبت ۵۸ درصد دارندگان تحصیلات عالی (حدود دکترا و لیسانس) در دورهٔ دوم مجلس شورای ملی، در میان ادوار مختلف مجلس شورای ملی بی سابقه می‌باشد، قابل توجه آن که در این عصر مجلس عدهٔ کمتری از وکلای دارای سطح پایین تحصیلات (تحصیلات متعارف) رابخود پذیرفته است. دوره دوم نسبت افراد کم سواد در مجلس شورای ملی فقط پانزده درصد بوده است و دوره سوم نیز با داشتن ۵۱ درصد وکلای دارندهٔ تحصیلات عالی ادوار قانونگذاری شاخص و ممتاز می‌باشد.

نتیجه

در حکومت ملی، تفکیک و تقسیم قوای مملکتی و برخورداری افراد از حقوق و آزادیهای طبیعی بموجب قانون اساسی، امکان بهره‌مندی طبقات مختلف جامعه را از منزلت اجتماعی و قدرت سیاسی فراهم می‌سازد. در یک رژیم دموکراسی کامل قاعدهٔ رهبران سیاسی و از جمله اعضای پارلمان، نمایندگان عامهٔ مردم هستند و مطالعه در منشأ اجتماعی و طبقهٔ آنان باید ما را دربارهٔ کیفیت تعادل نیروها در جامعهٔ مورد نظر آگاه کند.

از تحقیق و مطالعه ما دربارهٔ ترکیب طبقاتی نمایندگان مجلس چنین برمی‌آید که با وجود آن که در اغلب قوانین انتخاباتی، نمایندگی در طبقات بخصوصی محدود نبوده است، معیناً قدرت سیاسی در ایران و یا لاقلاً در مجلس شورای ملی در دست طبقاتی خاص از جمله: مالکان و کارمندان اداری بوده است. بطوریکه اگر دورهٔ اول قانونگذاری را که تعیین نمایندگان بموجب نظامنامهٔ انتخابات از میان طبقات: شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار و مالکان و فلاحین و اصناف با تعیین سهم معینی از کرسیهای نمایندگی برای هر طبقه انجام گرفت استثناء کنیم، بیست و دو دورهٔ دیگر مجلس را باید در قبضهٔ قدرت مالکان و کارمندان دولت (آنها کارمندان دولتی که در اکثر موارد خود از میان طبقهٔ مالکان برخاسته‌اند) بدانیم.

در عصر اول مشروطیت بر روی هم اکثریت شایان توجه از آن کارمندان اداری است (با نسبت ۴۵ تا ۵۵ درصد کل نمایندگان) ولی در داخل آن عصر تفاوتی میان ادوار مختلف دیده میشود، چنانکه در دورهٔ اول اکثریت با بازرگانان و اصناف و در دورهٔ سوم، مجلس تا حدودی تابع مالکان است.

با نظر باین پدیده و همچنین ترکیب نسبتاً متعادل گروههای شغلی می توان این دو دوره مجلس را (دوره دوم و سوم) در گذشته از مترقی ترین ادوار مجلس شورای ملی بحساب آورد.

باید دانست که از دوره چهارم و پنجم مجلس شورای ملی، بتدریج زمینه پذیرفتن گروههای جدید با تحصیلات و تمایلات مختلف آماده گردید و ترکیب طبقاتی مجلس بخصوص از دوره ششم قانونگذاری (آغاز عصر دوم مشروطیت) تا دوره بیست و یکم دگرگون شد.

اوضاع سیاسی واجتماعی و بخصوص ثبات سیاسی عصر دوم مشروطیت، بطبقات خاصی این فرصت را داد که بمنظور حفظ منزلت اجتماعی قدیم خود در حکومت و نظام جدید با قبول مشاغل دولتی و وکالت مجلس شورای ملی قدرت اقتصادی متکی بر مالکیت ارضی را با قدرت سیاسی توأم سازند و با در دست گرفتن زمام قدرت سیاسی تسلط خود را بر طبقات دیگر اجتماع تحمیل کنند.

بطوریکه از تحقیق ما در باب منشأ خانوادگی و سطح تحصیل نمایندگان مجلس برمیآید این طبقات با کسب شرایط زمانی (ورود بمشاغل دولتی و کسب تعلیمات عالی) راه خود را بسوی مجلس باز نمودند و بدین طریق بحفظ منزلت اجتماعی خود و قدرت رهبری توفیق یافتند. (اکثریت نزدیک به ۳۵ تا ۳۸ درصد پدران نمایندگان کارمند دولت را در عصر دوم و سوم مشروطیت مالکان تشکیل می داده اند و تنها ۲۴ درصد از نمایندگان کارمند در عصر سوم مشروطیت خود از خانواده کارمند اداری بوده و بقیه که نزدیک به ۳۸ درصد را تشکیل می دهند از گروههای مختلف دیگر از جمله از خانواده روحانی برخاسته اند.

اگر تحقیق در باب منشأ اجتماعی نمایندگان مجلس را در مورد سایر نخبگان سیاسی تعمیم دهیم. باید عصر دوم و سوم مشروطیت را دوران سیادت ورهبری طبقه مالک بدانیم. بعبارت دیگر وجود رژیم ارباب ورعیتی طبقه مالک اجازه داد که با نسبت قابل توجهی یعنی حدود بیش از ۵۷ درصد کرسیهای مجلس را بدست آورد و در مقابل ۳۹ تا ۴۶ درصد کارمندان اداری و همچنین در برابر ۱۷ تا ۱۹ درصد نمایندگان صاحب حرفه و مشاغل تخصصی و آزاد و ۱۶ تا ۱۳ درصد بازرگانان در عصر دوم و سوم مشروطیت اکثریت مهمی را در مجلس تشکیل دهد.

آغاز این دست یابی مالکان را بنمایندگی مجلس از دوره سوم قانونگذاری باید دانست و از دوره ششم بعد است که اکثریت بدست طبقه مذکور می افتد. بهمان نسبت که این طبقه در بدست آوردن رهبری مستقیم سیاسی شانس بیشتری را احراز کرد و مثلاً با اکثریت حدود ۵۸ تا ۶۰ درصد بخصوص دوره های اخیر مجلس (۱۸-۱۹-۲۰) گروه های دیگر را تحت الشعاع قرار داد، طبقه روحانیان بتدریج و از آغاز عصر دوم مشروطیت بخصوص از دوره هشتم و نهم مجلس شورای ملی بعد موقع رهبری سیاسی خود را بعنوان نماینده مجلس از دست دادند، بطوریکه نسبت این گروه در عصر سوم مشروطیت به ۳ درصد کل نمایندگان میرسد و در عوض جای این طبقه را گروه نمایندگان صاحب مشاغل تخصصی و آزاد با نسبت قابل ملاحظه گرفت و مرتبه بعد از کارمندان دولت را در مجلس بدست آورد.

علم و تحصیل نمایندگان در این دو عصر بخصوص در عصر دوم مشروطیت قابل توجه است آمار نمایندگان در عصر دوم حاکی از آن است که نسبت وکلای دارای تحصیلات قلیل ۳۱ درصد بوده و حال آن که در عصر اول و سوم بارقام ۱۸ و ۲۱ درصد برخوردار می کنیم. کاهش نسبت نمایندگان دارای تحصیلات عالی دانشگاهی و غیر دانشگاهی در عصر دوم مشروطیت (با رقم ۳۳ درصد در مقابل ۴۸ درصد عصر اول و سوم مشروطیت) معلوم می دارد که موقع زمان برای انتخاب رهبران از میان روشنفکران و تعلیم یافتگان عالی دانشگاهی مساعد نبوده است.

در عصر سوم مشروطیت بتدریج امکان ورود روشنفکران و دارندگان تحصیلات عالی بیشتر شد و از جمله عواملی که این وضع را پیش آورد توسعه نظام جدید فرهنگ و تأسیس سازمانهای عالی آموزشی در زمان رضاشاه بود.

از دوره ۱۷ مجلس شورای ملی بعد نسبت تحصیل کردگان عالی فزونی گرفت و به متجاوز از نصف نمایندگان مجلس بالغ گردید و این جریان و سیر طبیعی از دوره بیست و یکم به بعد نیز صدق پیدا می کند و از حدود ۵۵ و ۵۳ درصد دوره های ۱۹ و ۲۰ به ۶۷ درصد نمایندگان مجلس در دوره بیست و یکم و ۷۹ درصد در دوره بیست و دوم و بیست و سوم میرسد.

همچنانکه از تحقیق ما برمی آید، کارگران و روستاییان و همچنین کسبه و پیشهوران در سازمان سیاسی کشور سهمی مؤثر نداشته اند و بخصوص طبقه کارگر و

زارع در هیچیک از ادوار قانونگذاری نتوانسته است یک کرسی از کرسیهای مجلس شورای ملی را اشغال نماید و از میان روستاییان بندرت می توان یک یا دو نفر را یاد کرد که مدت چند سال متوالی در مجلس بعنوان نماینده حضور داشته‌اند، قدرت سیاسی بازاریان و کسبه و پیشه‌وران نیز پس از دوره اول بدنبال لغو قانون انتخاب طبقاتی کاهش پذیرفت. و پس از آن دوره در هیچیک از ادوار مجلس (تا دوره بیست و یکم) نماینده‌ای از اصناف شانس نمایندگی مجلس را نداشته‌است.

مشخصات گروهی که ذکر کردیم، از دوره ششم قانونگذاری تا تصویب لایحه ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی همچنان ادامه دارد، ولی پس از اجرای قانون اصلاحات ارضی، در سه دوره اخیر مجالس قانونگذاری عصر مشروطیت سوم، همچنان که از پیش بیان داشتیم، امکان ورود نمایندگان از طبقات مختلف فراهم شد. معذالک گروهی که در ادوار گذشته درجه دوم از اکثریت نمایندگان را در برمی گرفت، اینک بر مجالس بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم مسلط شده است و آن طبقه کارمندان اداری است.

در این مورد هم باید یادآور شد که متجاوز از ۵۰ درصد کارمندان مزبور از خانواده عمده مالکان برخاسته‌اند و حال آنکه، اصناف و کارگران وزارت با نسبت اندک ۵ و ۲ و ۱ درصد بترتیب موفق به احراز کرسیهای نمایندگی مجلس شورای ملی گردیده‌اند.

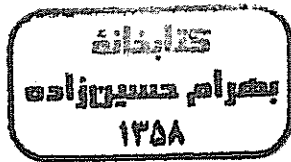
در مملکتی که اساس اقتصاد آن بر کشاورزی مبتنی است و صنعت و تکنیک جدید در مرحله ابتدایی و آغاز رشد خود قرارداد. ثروت در درجه اول بصورت اموال غیر منقول و از جمله اراضی مزروعی است، جای شگفتی نیست اگر این طبقه از منزلت اجتماعی بیشتری برخوردار باشند و با روی کار آمدن حکومت‌های مختلف و تغییر رژیم سیاسی همچنان موقع ممتاز خود را حفظ کرده و در زمره طبقه حاکمه مملکت بشمار آید.

بخش سوم

قانون اساسی مشروطیت

و فهرست نمایندگان

برحسب حوزه نمایندگی



قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

آنکه مطابق فرمان معدلت بنیان همایونی مورخه ۱۴ جمادی الاخره ۱۳۲۴ از برای ترقی و سعادت ملک و ملت و تشیید مبانی دولت و اجرای قوانین شرع حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله امر بتأسیس شورای ملی فرمودیم و نظر بدان اصل اصیل که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علی قدر مراتبهم محق و سهممند تشخیص و تعیین اعضاء مجلس را بانتخاب ملت محول داشتیم اینک که مجلس شورای ملی برطبق نیت مقدسه ما افتتاح شده است اصول و مواد نظامنامه اساسی شورای ملی را که مشتمل بوظایف و تکالیف مجلس مزبور و حدود روابط آن نسبت بادارات دولت است از قرار اصول ذیل مقرر میفرمائیم:

در تشکیل مجلس

اصل اول

مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الاخره ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است.

اصل دوم

مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند.

اصل سوم

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضای که در طهران و ایالات انتخاب میشوند و محل انعقاد آن در طهران است.

* اصل چهارم^۱

عده نمایندگان مجلس شورای ملی برای پایتخت و شهرستانها دوست نفر خواهد بود و پس از هر دهسال در صورت ازدیاد جمعیت کشور در هر حوزه انتخابیه طبق آمار رسمی بنسبت هر یکصد هزار یکنفر اضافه خواهد شد حوزه‌بندی بموجب قانون علیحده بعمل خواهد آمد.

اصل پنجم^۲

دوره نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال تمام است و شامل دوره نوزدهم نیز میباشد. قبل از انقضاء مدت باید انتخابات طبق قانون تجدید شود. ابتدای هر دوره از تاریخ تصویب اعتبارنامه بیش از نصف نمایندگان خواهد بود. تجدید انتخاب نمایندگان سابق بلامانع است.

اصل ششم^۳

پس از آنکه دو ثلث نمایندگان مجلس شورای ملی در پایتخت حاضر شدند

* پنج اصل (چهارم - پنجم - ششم - هفتم - هشتم) در جلسه روز پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ شمسی بتصویب مجلس واحد که طبق قسمت اخیر اصل الحاقی بمتن قانون اساسی از مجلس سنا و شورای ملی تشکیل شده بود رسیده است:

۱- اصل چهارم (منسوخه): عده انتخاب شوندگان بموجب انتخاب‌نامه علیحده از برای طهران و ایالات فعلاً یکصد و شصت و دونفر معین شده است و برحسب ضرورت عده مزبوره تریاید تواند یافت الی دوست نفر.

۲- اصل پنجم (منسوخه): منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد. پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند.

۳- اصل ششم (منسوخه) منتخبین طهران لدی‌الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات به اکثریت مناط اعتبار و اجراء است.

مجلس منعقد میشود.

اصل هفتم^۴

مجلس میتواند با هر عده‌ایکه در جلسه حاضر باشد مذاکرات را شروع نماید لکن برای اخذ رأی حضور بیش از نصف نمایندگان حاضر در مرکز لازم است و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار در جلسه به رد یا قبول موضوع رأی بدهند.

اصل هشتم^۵

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی برطبق نظامنامه داخلی مجلس بتشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود.

اصل نهم

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق‌العاده منعقد تواند شد.

اصل دهم

در موقع افتتاح مجلس خطابه‌ای بحضور همایونی عرض کرده بجواب خطابه از طرف قرین‌الشرف ملوکانه سرافراز و مباحی میشود.

اصل یازدهم

اعضاء مجلس بدو که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم‌نامه را امضاء نمایند:

۴- اصل هفتم (منسوخه) در موقع شروع بمذاکرات باید اقلاً دو ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه‌ربع از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند.

۵- اصل هشتم (منسوخه) مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورایی برطبق نظامنامه داخلی مجلس بتشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود.

صورت قسم‌نامه

ما اشخاصیکه در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهما ممکن با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهیم و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران.

اصل دوازدهم

بهیچ عنوان و بهیچ دست‌آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود اگر احياناً یکی از اعضاء علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست درباره او با استحضار مجلس باشد.

اصل سیزدهم

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آنکه نتیجه آنها بموقع اجرا گذارده شود باید علنی باشد روزنامه‌نویس و تماشاچی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامجات میتوانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی تا عامه‌ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند هر کس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی برنگارد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچکس مستور نماند لهذا عموم روزنامجات مادامیکه مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامجات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و باغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افتراء بزند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.

اصل چهاردهم

مجلس شورای ملی بموجب نظامنامه علیحده موسوم بنظامنامه داخلی امور شخصی خود را از قبیل انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم و مرتب خواهد کرد.

در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن

اصل پانزدهم

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت میدانند پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا بتوسط شخص اول دولت بعرض برساند که بصحته همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود.

اصل شانزدهم

کلیه قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه‌ها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل هفدهم

لوائح لازمه را در ایجاد قانونی با تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که با تصویب مجلس سنا بصحته همایونی رساننده بموقع اجراء گذارده شود.

اصل هیجدهم

تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیات‌ها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنان ممیزی‌های جدیده که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود.

اصل نوزدهم

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالک ایران و تحدید حکومت‌ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد.

اصل بیستم

بودجه هر یک از وزارتخانه‌ها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد.

اصل بیست و یکم

هر گاه در قوانین اساسی وزارتخانه‌ها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرر شده لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از اینکه لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزراء مسئول اظهار شده باشد.

اصل بیست و دویم

مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل بیست و سیم

بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد.

اصل بیست و چهارم

بستن عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها اعطای امتیازات (انحصار) تجارتی و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه‌هایی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد.

اصل بیست و پنجم

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد.

اصل بیست و ششم

ساختن راه‌های آهن یا شوسه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است.

اصل بیست و هفتم

مجلس در هر جا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد.

اصل بیست و هشتم

هر گاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که بصحته همایونی رسیده‌اند باشتباه کاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسک مساهله و عدم مواظبت خود قرار دهد بحکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود.

اصل بیست و نهم

هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانینیکه بصحته همایونی رسیده است از عهده جواب برنیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرر کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکمه عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد.

اصل سیام

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه‌ای بتوسط هیأتیکه مرکب از رئیس و شش نفر از اعضاء که طبقات ششگانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارک استیذان نمود.

اصل سی و یکم

وزراء حق دارند در اجلاسات مجلس شورای ملی حاضر شده و در جائیکه برای آنها مقرر است نشسته مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره و مذاقه امور بدهند.

در اظهار مطالب بمجلس شورای ملی

اصل سی و دویم

هر کس از افراد ناس میتواند عرضحال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً بدفترخانه عریض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد و چنانچه مطلب راجع بیکی از وزارتخانه است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند.

اصل سی و سیم

قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارتخانه‌های مسئول انشاء و تنقیح یافته توسط وزراء مسئول یا از طرف صدراعظم بمجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب بصره همایونی موشح گشته بموقع اجرا گذاشته میشود.

اصل سی و چهارم

رئیس مجلس میتواند برحسب لزوم شخصاً یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه‌نویس و تماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب از عده منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لیکن نتیجه مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس محرمانه با حضور سه‌ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده با کثرت آراء قبول شود اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت‌عنه خواهد ماند.

اصل سی و پنجم

اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بداند بااطلاع عموم برساند لکن اگر مجلس محرمانه بتقاضای وزیری بوده است افشای مذاکرات موقوف با اجازه آن وزیر است.

اصل سی و ششم

هر یک از وزراء میتواند مطلبی را که بمجلس اظهار کرده در هر درجه از مباحثه که باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد در این صورت استرداد مطلب موقوف بموافقت مجلس است.

اصل سی و هفتم

هرگاه لایحه وزیری در مجلس موقع قبول نیافت منضم بملاحظات مجلس عودت داده میشود وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحه مزبوره را در ثانی بمجلس اظهار بدارد.

اصل سی و هشتم

اعضای مجلس شورای ملی باید رد یا قبول مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدید در دادن رأی خود نماید اظهار رد و

قبول اعضاء مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه‌نویس و تماشاچی هم بتوانند ادراک کنند یعنی باید آن اظهار بعلاوات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن.

عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل سی و نهم

هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضاء مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلاً پانزده نفر از اعضاء مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در این صورت آن عنوان کتباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاکره قرار بدهد.

اصل چهلم

در موقع مذاکره و مذاکره لایحه مذکوره در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لایحه مزبور راجع بیکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً و الا معاون او بمجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود سواد لایحه و منضمات آنرا باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه باستثناء مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد پس از مذاکره مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس با کثرت آراء رسماً لایحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد.

اصل چهلم و یکم

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشد باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند.

اصل چهلم و دویم

در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جوابست و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازه اقتضاء بعهدۀ تأخیر بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد ولی بعد از انقضای مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید.

در شرایط تشکیل مجلس سنا

اصل چهل و سوم

مجلس دیگری بعنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضاء تشکیل مییابد که اجلاس آن بعد از تشکیل مقارن اجلاسات مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل چهل و چهارم

نظامنامه‌های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل چهل و پنجم

اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب میشوند سی نفر از طرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار مییابند پانزده نفر از اهالی طهران پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت پانزده نفر به انتخاب اهالی طهران پانزده نفر بانتخاب اهالی ولایات.

اصل چهل و ششم

پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیأت وزراء عنوان شده باشد باید اول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده با اکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات خود را بمجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنا را بعد از مذاقه لازمه قبول یا رد نماید.

اصل چهل و هفتم

مادام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بصحبه همایونی موشح و بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

* اصل چهل و هشتم

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هر یک از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل نماید. در هر مورد که مجلسین یا یکی از آنها بموجب فرمان همایونی منحل میگردد باید در همان فرمان انحلال علت انحلال ذکر شده و امر بتجدید انتخابات نیز بشود. انتخابات جدید در ظرف یکماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور باید منعقد گردد. مجلس جدید که پس از انحلال تشکیل میشود برای یک دوره جدید خواهد بود نه برای بقیه دوره مجلس منحل شده.

مجلس یا مجلسین جدید را نمیتوان مجدداً برای همان علت منحل نمود. هرگاه در مورد طرح یا لایحه قانونی که دو دفعه از مجلسی بمجلس دیگر رجوع شده است بین مجلس سنا و مجلس شورای ملی توافق نظر حاصل نشود کمیسیون مختلطی مرکب از اعضای مجلسین که بعده مساوی از طرف هر یک از مجلسین انتخاب میشود تشکیل و در مورد اختلاف رسیدگی کرده گزارش خود را بمجلسین تقدیم

* این اصل بموجب تصمیم مجلس مؤسسان مورخ ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸ (که در متن قرار داده شده) نسخ شده است:

اصل چهل و هشتم (منسوخه)

هرگاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا بمجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته در ماده متنازع فیها رسیدگی میکند نتیجه رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکنند اگر موافقت دست داد فیها والا شرح مطلب را بعرض حضور ملوکانه میرسانند هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند مجری میشود و اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیأت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم بتجدید انتخابات میفرمایند و مردم حق خواهند داشت متخین سابق را مجدداً انتخاب کنند.

مینماید هر گاه مجلس سنا و مجلس شورای ملی گزارشی را که کمیسیون مختلط داده است تصویب نمودند قانون مزبور برای توشیح صحه ملو کانه ارسال میشود. در صورتیکه مجلسین در گزارش کمیسیون مختلط نیز توافق نظر حاصل نکردند مورد اختلاف بعرض ملو کانه میرسد هر گاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نظر مجلس شورای ملی را تصویب فرمودند امر باجرا میدهند و الا موضوع تا ششماه مسکوت مانده و عندالافتضاء ممکن است بعد از انقضای این مدت بعنوان طرح یا لایحه جدیدی در یکی از مجلسین مطرح شود.

اصل ۴۸ و هر یک از اصول دیگر قانون اساسی مورخ ۱۴ ذیقعدہ الحرام ۱۳۲۴ قمری و متمم آن که مخالف مقررات این اصل است نسخ میشود.

اصل چهل و نهم

منتخبین جدید طهران باید بفاصله یکماه و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد لیکن در ماده متنازع فیها گفتگو نمیکنند تا منتخبین ولایات برسند هر گاه مجلس جدید پس از حضور تمام اعضاء با کثرت تام همان رأی سابق را امضاء کرد ذات مقدس همایونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر باجرا میفرمایند.

اصل پنجاهم

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو * سال است یک نوبت بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد.

اصل پنجاه و یکم

مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشیید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت و آسایش ملت

* طبق اصل الحاقی بتمم قانون اساسی در سال ۱۳۳۶ مجلس واحد از مجلس سنا و شورای ملی تشکیل و اصول چهار و پنج و شش و هفت قانون اساسی و تفسیر مربوط باصل هفتم و اصل هشتم قانون اساسی و اصل چهل و نه متمم قانون اساسی را اصلاح نمود و در اصل پنجم اصلاح شده مدت دوره انتخابیه چهار سال تعیین گردیده است.

برقرار و مجری فرمودیم وظیفه سلطنت خود دانسته در عهده شناسند.

فی شهر ذیقعدہ الحرام ۱۳۲۴

هو الله تعالی

این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یک اصل است صحیح است

چهاردهم شهر ذی قعدہ ۱۳۲۴

محل صحه همایونی

امضاء ولیعهد و امضاء مشیرالدوله

مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلسین عنوان میشود بدقت مذاکره و غوررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجه عصر عجل الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بود.

اصل سیم - حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییرپذیر نیست مگر بموجب قانون.

اصل چهارم - پایتخت ایران طهران است.

اصل پنجم - الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.

اصل ششم - جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثناء میکند.

اصل هفتم - اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست.

حقوق ملت ایران

اصل هشتم - اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

اصل نهم - افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبیکه قوانین مملکت معین مینماید.

اصل دهم - غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون و در آنصورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.

متمم

قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار بصحه مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضجعه موشح شده اضافه میشود از قرار ذیل است:

کلیات

اصل اول - مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.

اصل دوم - مجلس مقدس شواری ملی که بتوجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله وسلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه برعهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیأتیکه کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به اینطریق که علمای اعلام و حجج اسلام

اصل یازدهم - هیچکس را نمیتوان از محکمه‌ای که باید درباره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً به محکمه دیگر رجوع دهند.

اصل دوازدهم - حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون.

اصل سیزدهم - منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهراً نمیتوان داخل شد مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم - هیچیک از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح میکند.

اصل پانزدهم - هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.

اصل شانزدهم - ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون.

اصل هفدهم - سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان بهر عنوان که باشد ممنوعست مگر بحکم قانون.

اصل هیجدهم - تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم - تأسیس مدارس بمخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم - عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهنده یا نویسنده برطبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

اصل بیست و یکم - انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و محل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمی باشند.

اصل بیست و دویم - مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون

است مگر در مواردی که قانون استثناء میکند.

اصل بیست و سیم - افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین میکند.

اصل بیست و چهارم - اتباع خارجه میتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جداگانه است.

اصل بیست و پنجم - تعرض بمأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه بمشاغل آنها محتاج بتحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود.

قوای مملکت

اصل بیست و ششم - قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید.

اصل بیست و هفتم - قوای مملکت سه شعبه تجزیه میشود:

اول - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصفحه همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است.

دویم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارتست از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است بمحاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات.

سیم - قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجراء میشود بترتیبی که قانون معین میکند.

اصل بیست و هشتم - قوای ثلاثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.